

کنده‌کاری‌های قوسی شکل در سقف‌ها فرضیه استخراج ستون و پایه ستون و سرستون از داخل غارها را تقویت می‌کند. در دو منبع خاطرات ظهیرالدوله و تاریخ غیرت نیز اشاره‌هایی به مخفیگاه بودن غارها شده است.

گویا آن وقت که اهالی اکباتان طوایف و کوه‌نشین بوده‌اند مثلاً هزار سال پیش از میلاد در این کوه مأمن‌های سخت داشته‌اند که بعدها محض آنکه اشرار یا دزدها منزل نکنند شکسته و مسدود کرده‌اند.

در زمان تاریخ غیرت که شیخ موسی نثری در سال ۱۲۷۶ شمسی آن را نگاشته و به داستان جنگ بین دولت صفویه و عثمانی در سال‌های ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۹ شمسی و اشغال شدن شهر همدان توسط احمد پاشا پرداخته شده، آمده در این واقعه گروهی از مردم همدان برای حفظ جان مدتی در غار خورزن پنهان شده بودند. هرچند این کتاب رمانی تاریخی است اما نشان از کاربری مرسوم آن غار در میان مردم زمان نگارش رمان داشته است.

محمدیان منصور می‌گوید: مردم روستای تفریجان واژه هفت سور گله را به معنای هفت گله ۴۰۰ تایی گوسفند می‌دانند که در این غار امکان پنهان شدن داشته است. اهالی روستای تفریجان همچنین باور دارند چاهی در انتهای این غار وجود دارد که به راسته مسگرخانه در بازار همدان متصل است. همچنین معتقد هستند گنج عظیمی در این غار مدفون است.

ظهیرالدوله در سال ۱۲۸۵ شمسی از این غار دیدن و آن را چنین تشریح می‌کند: در وسط طول این کوه غاری کنده‌اند خیلی تماشایی رو به جنوب، دهنه این غار تقریباً ۲۰ ذرع است و به ارتفاع سه چهار ذرع به طور شیب کنده شده است، سقفش یکپارچه سنگ است. عمق غار از دهنه تا ته، شاید ۸۰-۷۰ ذرع باشد که همه جا خیلی تندسرازیر است و همه جا عرضش ۶۰-۵۰ ذرع است، بلکه عمقش زیادتر بوده و پر شده است.



ظهیرالدوله در خاطراتش غار خورزن را چنین توصیف می‌کند: «تقریباً ۱۰ ذرع در کمال سختی سینه‌مال عقب عقب می‌رفتیم، در حالتی که کمر و سر و دست و پایمان به سنگ‌های بزرگ تصادف می‌کرد. خیلی به سختی رد می‌شدیم. با هزار جان کندن رسیدیم به جایی که توانستیم بنشینیم. بعد به جایی که ایستادیم، چند چراغی که داشتیم روشن کردیم. عجب جایی بوده است، خیلی عبرت‌انگیز. این غار را هم همان طور از سنگ کنده‌اند سرراشید تا به آب می‌رسد. یک جا محتاج شده‌اند که مثل ستون از سقف تا به زمین سنگی را نکنده گذارده‌اند. ۸-۹ تخت برای منزل کردن در یک طرف این غار مرتبه به مرتبه سنگ‌بندی کرده‌اند. هر کدام گنجایش ۳۰-۲۰ نفر منزل کردن را دارد. از یک طرف غار هم راه سرراشید تندی است که آن وقت که در این غار گرفته نبوده شاید با اسب تا قعر غار می‌رفته‌اند. ما هم رفتیم تا آخر، آنجا که در یک کنار مثل دهنه چاهی از سنگ تراشیده و آب بیرون آمده بود. خفاش زیادی در سقف بودند که به دیدن چراغ ما به پرش آمده بودند».

این پژوهشگر توضیح می‌دهد: در خصوص قدمت تاریخی غارها تاکنون مطالعه علمی صورت نگرفته است، اما اظهار نظرهایی شده است. «مصطفوی» در این باره آورده است: «به مسافت قریب به ۶ کیلومتر در مشرق شیرسنگی مزبور، «کوه خورزن» قرار دارد و بعضی در همدان اظهار می‌کنند در کوه مزبور، غار قدیمی به همان نام خورزن با ستون‌های سنگی وجود دارد که ظاهراً مربوط به عهد هخامنشی است».

با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و انطباق این مطالعات با بازدیدهای میدانی فرضیه‌هایی نظیر معدن سنگ، مخفیگاه و نیایشگاه درباره کاربری‌های این غارها محتمل است. وجود نشانه‌هایی از دواپیر متعدد در جداره غارها و شکل

از دیگر نشانه‌های به جامانده، مهرابه‌هایی است که بر دیواره تونل‌های ناتمام کنده شده که مانند برخی نمونه‌های نیایشگاه‌های مهری (مانند نیایشگاه مهری مراغه در آذربایجان شرقی) است



نمایی از یکی از غارهای طبیعی کوهستان خورزنه



نمایی از یکی از غارهای دستکند خورزنه

